

عبدالواسع هانسوی: شرح حال و بررسی کوتاه آثارش

شگفته رعنا*

چکیده:

عبدالواسع هانسوی متخلص به خالص دستور نویس، زبان شناس، لغت نگار و شاعر زبان فارسی و اردو در دوره اورنگ زیب عالمگیر، یکی از بزرگترین پادشاهان تیموری، در شبه قاره است. درباره شرح حال و اینکه پیش چه کسانی دانش آموخت، اطلاعاتی در دست نیست؛ ولی از آنجا که در زمینه فرهنگ لغت، زبان شناسی، نصاب فارسی آموزی، دستور زبان فارسی و غیره آثار ماندگار به جا گذاشت و به فارسی و زبان های محلی شعر سرود، می توان گفت که او مردی دانشمند و دارای ذوق و قریحه بسیار عالی ادب و شعر بود. رساله عبدالواسع هانسوی "صمد باری" شرح اسکندر نامه و شرح یوسف و زلیخا از آثار قابل توجه اوست. او در خلق این آثار از نوشته با و سروده های پیشینیان بسیار استفاده کرده است. جایگاه آثار وی در زمینه فرهنگ لغت و دستور نویسی فارسی آن قدر بلند بود که ادیبان و نویسندگان روزگار بعدی از آنها فراوان استفاده کردند. در این مقاله شرح حال، آثار و جایگاه ادبی عبدالواسع هانسوی معرفی و بررسی شده است.

واژه های کلیدی: عبدالواسع هانسوی، دستور فارسی، زبان شناسی فارسی، نصاب های فارسی در

شبه فارسی، فرهنگ و نعت فارسی در شبه قاره، تاریخ ادب فارسی شبه قاره

*عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده دولتی بانوان فیروز والا، شیخوپوره، پاکستان

عبدالواسع هانسوی، شرح های متون فارسی، صمد باری، نصاب بای فارسی در شبه قاره، ادب فارسی در شبه قاره، شرح بوستان سعدی، رساله عبدالواسع بانسوی.

عبدالواسع معروف به عبدالواسع هانسوی و حسینی هانسوی متخلص به "خالص" دستور نویس، زبان شناس، لغت نگار و شاعر زبان فارسی و اردوی یکی از بزرگترین پادشاهان تیموری در اورنگ زیب عالمگیر (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق / ۱۶۵۸-۱۷۰۷م) در شبه قاره است. هر چند که او در دوره تیموریان شبه قاره کارهای مهم، بارزش، ضخیم، متنوع و اساسی به زبان فارسی از خود به یادگار گذاشته، اما در باره این که او کجا و به چه زمانی به دنیا آمد، کجا و با چه شرایط زندگی کرد، نزدیک چه استادانی دانش و علم آموخت، اطلاعاتی دقیق در تذکره ها، کتاب های تاریخ ادبیات فارسی و شرح حال نویسان فارسی سرایان و نویسندگان وجود ندارد. آنچه که درباره او نوشته و عرضه شده، محصول حدس و تخمین است که محققان از آثارش و پدیده های گوناگون فرهنگی و ادبی، شرح حال ادیبان و شاعران هم روزگارشان، استخراج کردند. از آنجا که او در زمینه فرهنگ لغت، زبانشناسی و دستور زبان فارسی آثار مهم خلق کرده، می توان حدس زد که او دانش های زمینه مذکور را با دقت نزدیک استادان برجسته به دست آورده است. چون نسبت مکانی "هانسی" شهرستانی کوچک در ایالت هریانه در شبه قاره، در هندوستان فعلی، به دنیا آمد. با توجه به داشتن تسلط بر علوم و دانش بای متنوع و ظریف در زمینه های زبان و ادب و فرهنگ فارسی درباره عبدالواسع می توان ادعا کرد که او از عالمان علوم مذکور کسب دانش کرده است. از آنجا که در دهکده ای مانند هانسی که نقطه ای دور در هندوستان قرار داشت، وجود دانشمندان برجسته در علوم و هنرهای پیش ذکر شده، امکان پذیر نبود، قیاس قرین به واقعیت است که او از زادگاه خود سفر کرده، به شهر ها و شهرستان های مختلف آن سر زمین نزد دانشمندان آن جاها کسب دانش کرده است (آقا بزرگ تهرانی (۱۶۰۲ق)، ۸۴/۹ برزگر (۱۳۸۰ش)، دانشنامه، ۴۱/۴-۴۷۱؛ منزوی (۱۳۶۵ش) مشترک، ۷۳۱/۸-۲۸۴).

عبدالواسع در علوم متنوع چون دستور، زبان شناسی، لغت، انشا و علوم بلاغی مهارت داشت. این دانش بای است که در آن روزگار بر کسی به آنها توجه نمی کرد، پرداختن به دانش بای مذکور در آن زمان همت و ذهن رسا می خواست و بدیهی است که هانسوی یک ذهن مبتکر و جرأت عارفانه را دارا بود. او با استفاده از هنر مندی خود اولین کتاب در لغت فارسی و هندی به عنوان ”غرائب اللغات“ تألیف کرد و دانشمندان را به این کار متوجه و تقدم را در این زمینه ازان خود کرد. او شاگردان زیادی نیز تربیت کرد که از شخصیت های برجسته و نامدار روزگار خود به شمار می آیند که از آنها میر تقی میر، میرزا محمد رفیع سودا، خواجه محمد میر درد، شاه مبارک آبرو، شرف الدین مضمون، یک رنگ، زین العابدین آشنا، تیک چند بهار، بی نوا، حسن علی شوق، عمده کشمیری، آند رام مخلص، محمد محسن اکبر آبادی، شهاب الدین ثاقب، میر ناصر سامان شایسته ذکر اند. استادی این شاگردان بی همتای روزگار خود، خودش نشانگر این امر است که عبدالواسع هانسوی یکی از برجسته ترین شخصیت های ادبی دوره اورنگ زیب عالمگیر بود. او نه تنها در نثر نویسی فارسی دسترس فوق العاده داشت؛ بلکه نثر خوب نیز خلق می کرد. او در کتاب خود ضمن آوردن سند شعری خود که دارای تخلص ”خالصا“ است، نیز درج کرده:

خالصا چشم و زلف و خط به رخس

چه عجب که به روز گرد آیند

هر کجا چشمه ای بود شیرین

مردم و مار و مور گرد آیند

درباره تاریخ و سال در گذشت او نیز اطلاعات در دسترس نیست، ولی از آنجا که او استاد میر تقی میر، خواجه میر درد، میرزا محمد رفیع سودا بود، می توان حدس زد که از نظر سنی بزرگتر از آنان بوده و گمان می رود پیش از مرگ آنان در گذشته است. میر تقی میر در ۱۳۲۵ق/۱۷۱۰م در لکهنؤ درگذشت، چنانچه می توان حدس زد که عبدالواسع هانسوی پیش از ۱۳۲۵ ه ق فوت کرد.

آثار:

۱- رساله‌ی عبدالواسع هانسوی:

که به عنوان های "قواعد زبان فارسی"، و "دستورالعمل" نیز نام دارد، اثر منشور فارسی بانسوی است که او آن را به فرمایش دوستان تألیف کرده است. او در تألیف این اثر از کتاب های فرهنگ و لغت و معانی و بیان چون فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، فرهنگ سروری، مدارالافاضل، مؤید الفضلا، بحر الدقائق، نزهة الصنائع، الجواهر و خزائن المعانی استفاده کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه است. مولوی نجم الدین قلعه داری متخلص به فائز (در گذشته- ۱۳۲۲ق / ۱۹۱۳م) در جواب رساله عبدالواسع رساله ای به عنوان "جامع القوائد" در قوائد فارسی تألیف کرده است که بدینگونه آغاز می شود: "حمد را با تو نسبتی است درست/ بر در هر که رفت بر در تست، ثنای بی منتها از ازل تا ابد از هر مادی که صادر شود". یک نسخه خطی جامع القوائد در ۱۲۶ صفحه در کتابخانه شخصی احمد حسین قلعه داری در گجرات نگهداری شده است (منزوی، مشترک، ۱۳/ ۲۵۰۹). حدوداً چهل نسخه خطی دستور العمل در کتابخانه دولتی و شخصی در شهرهای مختلف شبه قاره نگهداری می شود. علاوه بر آن این اثر معروف بانسوی از شهرها و چاپ خانه های مختلف شبه قاره نزدیک به نُه بار چاپ سنگی شده است. برای اطلاعات بیشتر درباره شرح نسخه های خطی و چاپ های سنگی دستور العمل نک:

۲- صمدباری:

"صمد باری" که به عنوان "جان پہچان" نیز معروف است، اثری است در نصاب برای آموزش زبان فارسی به نو آموزان این کتاب در مدرسه ها خصوصی و دولتی در شبه قاره در قرن های پیش فراوان رواج داشته. از آنجا که این اثر منظوم است و از نظر زبان و بیان روان و ساده اما بلیغ و مؤثر

است، نو آموزان زبان فارسی با کمک آنها، سریع و با سهولت فارسی یاد می گرفتند. صمد باری نخستین بار به اهتمام کیول رام دهلوی از چاپخانه صفدری در دهلی در ۱۲۶۸ ق/ ۱۷۸۱ م چاپ سنگی شد. برای اطلاعات بیشتر درباره نسخه های خطی و چاپ های سنگی صمد باری نک:

۳- شرح اسکندرنامه:

شرح مثنوی اسکندرنامه اثر مهم منظوم نظامی گنجوی، شاعر نامدار مثنوی سرا که نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه دانشگاه اسلامی پیشاور نگهداری شده است. این نسخه خطی که دارای ۴۱۶ صفحه است به دست حافظ غلام حبیب کتابت شده، هر صفحه دارای پنج صفحه از متن و دیگر مطالب صفحه بمه شرح همان متن است. نسخه به خط نستعلیق است. فیض الله تخلص به جواد ابراهیم، از مردم شاهجهان آباد که در پایان سده ۱۱ یا آغاز سده ۱۲ هجری قمری بوده در شرح خود از اسکندر نامه از عبد الواسع هانسوی پیروی کرده است. به گفته او: "یکی از شاگردان عبدالواسع هانسوی به نام برهان الدین قطعه ای از شعر استادش بانسوی به من داد که به انجام برسانم و من این را ساختم".

آغاز شرح بدینگونه است: "به نام خداوندی که اوصافش بیرون از شرح و بیان است و الطافش افزون از تقریر زبان، شهنشابی... اقل عباد الله اکبر فیض الله المشهور و المتخلص به الجواد ابراهیم." نسخه خطی این شرح کتابت شده در ۱۷۶۰ م به خط نستعلیق شکسته آمیز به خط شرف الدین ولد میان امام در کتابخانه گنج بخش نگهداری شده است (مزوی، مشترک ۷/ صص ۱۳۷- ۱۳۸)

۴- شرح یوسف وزلیخا:

شرح مثنوی یوسف و زلیخای جامی با قلم عبدالواسع بانسوی است. به قول خودش در مدت سی روز این شرح را تمام کرد. پانزده نسخه بای خطی این شرح در لاهور، کراچی اسلام آباد و پیشاور نگهداری می شود.

۵- شرح بوستان:

بوستان اثر سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده بر جسته روزگار از شایکارهای ادبی است که در زبان فارسی بی نظیر است. این کتاب زیبا و دلنشین در جهان به ویژه در سر زمین مشرق و به طور خاص در شبه قاره فوق العاده مورد ستائش قرار گرفته است. کتاب شرح بوستان با مقدمه آغاز می شود. این مقدمه نوشته خود هانسوی است که تاثیر سعدی بر قلم و فکر وی آشکار است.

به عنوان نمونه:

(ک ۳) رینا لا تواخذنا ان نسينا او اخطانا وصل علی نبيک و رسولک محمد سيدنا و مولانا و علی آله و اصحابه بءاءه سواء السبيل ايانا۔ می گوید معترف به عجز و نادانی در فهم الفاظ و درک معانی عبدالواسع هانسوی که اگرچه این بیچ مدان را طاقت و لیاقت و بضاعت و استطاعت آن نبود که در کلام کرام والامقام و گفتار کبار عالی مقدار خصوصاً در مقال معجز مثال سحر حلال، سلیمان کشور سخن طرازی جناب شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی قدس الله تعالی سره به شرح و بیان و توضیح و تبیان دخل تواند کرد؛ لیکن چون اکثر نسخ این کتاب کامل نصاب به تداول ایدی خورد و بزرگ و بقا در السنه بند و ترک و تصرفات بی جای ناسخان و تحریفات نمایان ملایان غلط شده بود۔

اختتام نسخه خطی شرح بوستان از عبدالواسع هانسوی بدینگونه است:

تمت تمام شد۔ کار من نظام شد۔ ۱۲ محرم هجری ۶۸ در اعظم پور فرغت من نقل هذا نسخه الميمونه المتبرکه المسمى به شرح الكتاب البوستان من تصنيف افضل الفضلاء محمد واسع هانسوی غفر الله له بيد احقر العباد نظام الدين ولد محمد مراد اعظم فوری المطابق سنه هجری المقدسه ثمانیه تسعين او مايه و الف فتاریخ سنه عشر من شهر ذی الحجه فی مقام رام فور ایاد الله۔۔۔ ابد الابد حسین ربع من اللیل لليوم۔۔۔ بجهت الخاطر عزیز۔۔۔ وجیهه الدین طالعه مره بمنه و کم کرمه و بحر سه الله۔

عبد الواسع هانسوی نه فقط در نثر نویسی فارسی مهارت تام داشت و آثار بسیار ارزنده عرضه کرد، بلکه به زبان های محلی نیز کتاب ها به یادگار گذاشت. او در انجام شرح ها از متون کهن فارسی نیز کاربای مهمی انجام داد.

در دانشنامه ادب فارسی به یک دیوان فارسی نیز در آثار وی درج است؛ ولی در مقاله زیر عنوان قواعد زبان فارسی عبدالواسع هانسوی علی اکبر احمدی دارانی و ابوذر اسفندیاری، می نویسند که نسخه ای از دیوان وی در دسترس نیست. (دارانی، ۲۰۱۵م، ص ۲۶۵)

”صبا“ در ”تذکره روز روشن“ می نویسد:

”خالص“ تخلص عبدالواسع هانسوی، وطنش هانسی، حصار از شهرهای هندوستان است. در علم فارسی مهارتی کامل داشت. ”رساله دستور القدسی“ در صرف و نحو و بلاغت و عروض فارسی از وی یادگار است.

(صبا، ۱۳۳۴ش، ص ۲۳۶)

”صبا“ چند بیت با تخلص وی به عنوان سند آورده است:

خالصا چشم و زلف و خط به رخس

چه عجب گر به زور گرد آیند

هر کجا چشمه ای بود شیرین

مردم و مرغ و مور گرد آیند

من به خواب افتاده ماندم خالصا

وقت فرصت ای دریغ از دست رفت

(دارانی، ۲۰۱۵، ص ۲۶۵)

خالص ای مست سخن بهشیار شو

خواب غفلت تا به کی بیدار شو

(همو، همان، همانجا)

در زمان عبدالواسع هانسوی، زبان بومی را نیز شامل نصاب می کردند. عبدالواسع نیز زیر عنوان

”صمد باری“ یک نصاب سه زبان ترتیب داد.

چند بیت ازین کتاب از باب ”مصادر“ نقل می شود:

خواندن نوشتن فهمیدن جانو

پڑھنا لکھنا سمجھنا جانو

آوردن بردن سوختن کپے

لانا لے جانا جلانا کپے

پختن سودن شخالدین جان

پکانا گھسنا کھرچنا جان

سرشتن کوفتن درشتن کھو

گوندھنا، کوٹنا روسنا کھو

تافتن بافتن ساختن جانو

بانٹنا بننا سنورنا پپچانو

مکیدن جویدن بلعیدن جان

چوسنا، چابنا نگلنا مان

(شیرانی، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۳۵۹)

عبدالواسع ہانسوی چون فرهنگ نویس بود و روش وی چنین بوده است کہ اول واژگان یا مصادر مشکل را می آورد و بعداً معنی اش را بہ اردو، ہندی و زبان ہومی کہ برای خوانندگان و دانش آموزان یاد گرفتن زبان آسان باشد درج می کند تا نصاب برای آنها خوانا و سہل باشد۔

حافظ محمود شیرانی محقق بزرگ و نقاد و سکہ شناس شبہ قارہ در یک مقالہ خود زیر عنوان ”اردو کی شاخ ہیریانی زبان میں تالیفات“ کہ در ”اورینٹل کالج میگزین (مجلہ تحقیقی دانشکدہ خاور شناسی)“ چاپ شدہ بود و بعداً در مجموعہ مقالات حافظ محمود شیرانی (جلد دوم، صص ۳۵۱-۴۱۸) چاپ شد، ایبائی از عبدالواسع بہ عنوان نمونہ درج کردہ است۔

این کتاب (صمد ہاری) کہ بہ سہ زبان است نشانگر آن است کہ او بر ہر سہ زبان، فارسی، ہندی و زبان ہومی (ہریانوی) چنان دسترس داشت کہ بہ سہولت تمام نصاب مرتب کرد و استاد خوبی ہم بود کہ مطالب را نیز واضح کرد اگرچہ در شعر معنا رسانیدن مشکل است۔

شیرانی ایبات زیر را ہم از آغاز کتاب نقل کردہ است:

صمد پاک نرنجن جان
نبی پیہر بسیٹھ پہچان
ملک فرشتہ دیوتا مان
صحیفہ نامہ پاتی بکھان
فلک سپہر انبر کپیہ
ارض زمین دھرت کپیہ
و از خاتمہ کتاب آخرین بیت
عبدالواسع یہ کتاب
تین زبانوں کی ہے نصاب

(شیرانی، ۱۹۶۶ش، ج ۲، ص ۳۵۹)

قبل از هانسوی نیز چنین منظومہ با بطور نصاب سروده می شد، ولی نوشته با و سروده های بانسوی بیشتر شامل نصاب شد و بعد از وی غالب (۱۷۹۷م-۱۷۶۹م) در دورۀ تیموریان متاخر در (حک: ۱۵۲۶م-۱۸۵۸م) مثنوی "قادر نامہ" خودش مصادر و لغات در بیت می آورد کہ بسیار سہل و زیبا است و ہمینطور در بعضی از مدارس شامل نصاب است۔

خوش رہو ہنسے کو خندیدن کہو
گر ڈرو ڈرنے کو ترسیدن کہو
ہے ہراسیدن بھی ڈرنا کیوں ڈرو
اور جنگیدن ہے لڑنا کیوں لڑو
ہے گزرنے کی گذشتن فارسی
اور پھرنے کی ہے گشتن فارسی
زیستن کو جان من جینا کہو
اور نوشیدن کو تم پینا کہو
دوختن سینا دریدن پھاڑنا
کاشتن ہونا ہے رُفتن جھاڑنا

(غالب، ۱۹۴۹م، ص)

عبدالواسع بہ عنوان شاعر نظر عمیق بر اصطلاحات فارسی و صنایع شعری دارد۔ بہ ہمین سبب باب سوم رسالہ عبدالواسع دربارهٔ عروض، بدیع، قافیہ و انواع شعری است۔ او در این رسالہ دربارهٔ رباعی، قصیدہ، مثنوی و قطعہ بحث می کند، مثال شعری نیز می آورد، دربارهٔ "براعت استہلال" می گوید:

”براعت استهلال“ عبارت است از آن که متکلم در اول مثنوی یا قصیده غیر آن الفاظی ذکر نماید که بدان الفاظ اشارت شود، بدانچه در آن مثنوی و قصیده مذکور خواهد شد، چنانکه ”غنیمت، اول در نیرنگ عشق“ که در میان عشق عزیز و شاهد است می گوید:

به نام شاید نازک خیالان

عزیز خاطر آشفته حالان

(به نقل از جوادی، ۱۹۹۳، صص ۱۱-۱۲، دستور نویسی فارسی در شب قاره، مرکز تحقیقات اسلام آباد)

کتابشناسی منابع:

- آقا بزرگ تهرانی (۱۴۲۰ق)، الذریعه الى تصانیف الشیعه/ج ۹، بیروت
- برزگر، (۱۳۸۰ش)، عبدالواسع هانسوی، دانشنامه ادب فارسی، در شب قاره، ج ۴، تهران
- جوادی، حاج سید، ۱۹۹۳م، دستور نویسی فارسی در شب قاره، مرکز تحقیقات فارسی اسلام آباد، پاکستان
- دارانی، علی اکبر احمدی (۱۳۹۴ش)، مجموعه مقالات نهمین بهایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، بجنورد
- شیرانی، حافظ محمود، (۱۹۶۶م) مقالات، مجلس ترقی ادب، لاہور
- صبا، مولوی مظفر حسین، (۱۳۴۳ش) تذکره روز روشن، چاپ اسلامی، تهران
- غالب، مرزا اسد الله خان، (۱۹۴۹م) مثنوی قادر نامہ، به کوشش محمد باقر، مجلس یادگار غالب پنجاب یونیورسٹی، لاہور
- منزوی، احمد (۱۳۶۵ش)، فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی در پاکستان، ج ۷، اسلام آباد
- هانسوی، عبدالواسع، رسالہ عبدالواسع هانسوی، نسخہ خطی در گنجینہی آذر بہ شمارہ B-۵۴/۸۴۸۰، کتابخانہی دانشگاه پنجاب، لاہور
- همو، شرح بوستان، نسخہ خطی بہ شمارہ ۱۰-۲۵۸-N.M. در موزہی ملی پاکستان، کراچی

- همو، شرح نام حق، نسخه خطی به شماره ۳۲۰۴، کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد
- همو، شرح یوسف و زلیخای جامی، نسخه خطی به شماره N.M1۹۵۷-۸۸۹، موزه ملی پاکستان
- همو، صمد باری، نسخه خطی به شماره N.M1۹۵۸-۱۰۵۳/۳، موزه ملی پاکستان، کراچی
- همو، غرائب اللغات، نسخه خطی به شماره N.M1۹۵۸-۹۴۵/۳، موزه ملی پاکستان، کراچی